

ولتر در مکتب سعدی برخی تجانس‌ها در سبک و اندیشه

حسن فروغی

دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ وصول: ۸۵/۲/۱۸

تاریخ تأیید نهایی: ۸۵/۳/۱۷

چکیده

آغاز آشنایی حقیقی فرانسویان با ایران از طریق سفرنامه‌های سیاحان مشهور قرن هفدهم و دیگر آثاری که درباره شرق، ایران و اسلام نوشته شده، توجه نویسندگان و فیلسوفان عصر روشنگری به فرهنگ و تمدن ایرانی و اشاعه این فرهنگ در اروپا، تأثیرپذیری نویسندگان معروف این دوره از بزرگان ادب فارسی، توجه خاص آنان، بخصوص ولتر، به سعدی، استفاده ولتر از فنون فصاحت و موقع‌شناسی سعدی: تلفیق تخیل و حقیقت، نظم و نثر، استفاده از شخصیت‌های تاریخی، ترویج اندیشه‌های محوری سعدی چون مهربانی، گشاده‌رویی، تساهل مذهبی، انسان دوستی، نقد جهان واقعی و جستجوی جهانی مطلوب، دیگر تجانس‌ها و قرابت‌های ولتر و سعدی، از جمله مفاهیمی است که در محدوده این مقاله بدان پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سعدی، ولتر، الهامات ولتر، تجانس‌های فکری، تجانس‌های کلامی.

مقدمه

گرچه آغاز آشنایی و ارتباطات فرانسوی‌ها با ایرانیان به دوران بسیار گذشته تاریخ باز می‌گردد، اما این امر به طور عملی و ملموس، بخصوص در زمینه ارتباطات فرهنگی و ادبی، از قرن هفدهم آغاز می‌شود. در طول این قرن سفرنامه‌های زیادی توسط سیاحان فرانسوی درباره ایران به نگارش درمی‌آید که در اغلب آنها به توصیف ویژگی‌های فرهنگ و تمدن ایران پرداخته می‌شود. از جمله معروف‌ترین این سفرنامه‌ها می‌توان از سفرنامه‌های تاورنیه، شارون، دولا واله، اولتاریوس و ژان تونو نام برد. این سفرنامه‌ها فرانسویان را با فرهنگ و سنن ایرانی آشنا می‌سازد و، بر خلاف نظر برخی مبلغان متعصب مسیحی، به آنها می‌آموزد که این ملت گرچه اروپایی و مسیحی نیست ولی از اروپاییان خوشبخت‌تر زندگی می‌کند. زیرا این ملت علاوه بر هنردوستی و ادب‌پروری از روحیه تسامح و تساهل مذهبی قوی نیز برخوردار است: در همین دوره که فرانسویان شرعی مسلک به عنوان کاتولیک و پروتستان به کشتار یکدیگر مشغولند، ایرانیان مسلمان نه تنها خود با یکدیگر برادرانه زندگی می‌کنند بلکه به تمام فرقه‌های مسیحی نیز اجازه فعالیت و تبلیغ دین خود را می‌دهند و حتی شاه عباس به نمایندگان آنها اجازه می‌دهد که کلیسایی در شهرهای بزرگ ایران برپا کنند.

به علاوه، ترجمه آثار ادبی ایران به زبان فرانسوی در همین دوره با ترجمه متخبی از گلستان سعدی در سال ۱۶۳۴ توسط آندره دوریه^۱ آغاز می‌گردد، و با ترجمه این اثر و سپس ترجمه بوستان در قرون بعدی^۲، فرانسویان و اروپاییان با شاهکارهایی از ادبیات فارسی، که سرشار از «مفاهیم عالی انسانی» است، آشنا می‌شوند و به سعدی «ملک الشعراء» ادبیات فارسی لقب می‌دهند و از او به عنوان شاعر و اندیشمندی جهانی یاد می‌کنند (یوسفی، ۱۳۶۷، ص ۳۰، زرین کوب، سخن، ۱۳۲۶، صص ۵۷۶-۵۷۲).

بزرگان ادب فرانسه در قرن هجدهم، از جمله منتسکیو، ولتر، روسو و دیدرو با الهام گرفتن از این سفرنامه‌ها و آثار ترجمه شده ادبیات فارسی، ابتدا به نوشتن سیاحت‌نامه‌های خیالی روی می‌آورند و با خلق جهانگردانی خیالی و از زبان آنان افکار و عقاید خویش را بیان

1- André Du Ryer.

۲- متن کامل گلستان توسط دفرمی (Défremery) و متن کامل بوستان توسط باربیه دو منار (Barbier de Meynard) در قرن ۱۹ به زبان فرانسه منتشر خواهد شد.

می‌دارند و به مقایسه افکار و اندیشه‌های ملل گوناگون، از جمله ایرانیان و فرانسویان می‌پردازند. نمونه بارز و معروف اینگونه آثار *نامه‌های ایرانی* متسکیو است. همچنین در این دوره «رمان‌های ماجراجویی» و نمایشنامه‌های فراوانی نوشته می‌شود که اغلب رنگ و بوی ایرانی دارد و نام اغلب قهرمانان اینگونه نوشته‌ها اسامی ایرانی است. در واقع، آشنایی با فرهنگ شرقی و به ویژه ایرانی، نویسندگان و فیلسوفان این دوره را بر آن می‌دارد که از مرزهای محدود فرهنگ غربی و مسیحی فراتر روند و به این باور برسند که ملت‌های زیادی قبل از آنها دارای تمدنی درخشان و فرهنگی غنی بوده‌اند.

ولتر و ایران

ولتر، نویسنده و فیلسوف بلند آوازه ادبیات فرانسه «عصر روشنگری»، در سال ۱۶۹۲ میلادی به دنیا آمد، زندگی ادبی خود را در سن هفده سالگی آغاز کرد و در سن هشتاد و چهار سالگی، در سال ۱۷۷۸، چشم از جهان فرو بست. چون قرن هجدهم از نظر ادبی تقریباً همزمان با دوران زندگی این فیلسوف نامدار، و افکار وی در سراسر این قرن طنین‌انداز است، بدین جهت وی را حاکم بی‌چون و چرای این دوره یا «سلطان قرن هجدهم» دانسته‌اند.^۱

آشنایی اولیه ولتر با ایران و اسلام در دوران تحصیل او در مدرسه لوئی لوگران یا لوئی کبیر یا مدرسه ژزویتها، طی سال‌های ۱۷۰۷ تا ۱۷۱۱ و با درس «تاریخ عمومی» بوفیه^۲ آغاز می‌شود. پس از ترک مدرسه، به مطالعه تاریخ ادیان می‌پردازد و با آثار نویسندگان و فیلسوفانی چون پیر بل^۳ و بولن ویلی^۴ به آشنایی می‌شود. با مطالعات گسترده و مرادیه با مسلمانان، بر معلومات خود درباره اسلام و کشورهای مشرق زمین می‌افزاید. در سال ۱۷۳۲ نمایشنامه *ظهیر* را می‌نویسد و طی آن، با برتر شمردن جوانمردی و تقوای قهرمان مسلمان شرقی بر صفات

1- Roman d'aventure.

۲- این قرن با مرگ لویی چهاردهم در سال ۱۷۱۵ آغاز و با انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ پایان می‌پذیرد.

۳- Le Père Buffie، رک. جواد حدیدی، *اسلام از نظر ولتر*، ۱۳۵۵، صص ۳۵-۳۴.

۴- Pierre Bayle، منتقد و فیلسوف فرانسوی، سده هفدهم.

۵- Le Comte Henri de Boulainvilliers، مورخ و فیلسوف فرانسوی آخر سده هفدهم و اول سده هجدهم و نویسنده کتاب معروف «زندگی محمد: *La vie de Mahomet*». نویسنده در این کتاب که بعد از مرگ وی منتشر می‌شود، «چنان در ستایش پیامبر اسلام کوشیده است که برخی از معاصرانش او را به مسلمانی متهم کرده و پنداشته‌اند که وی مسلمان مرده است». (حدیدی، *اسلام از نظر ولتر*، ص ۴۱).

رقیب مسیحی، به دفاع از فرهنگ و تمدن ایرانی می‌پردازد.

ولتر، در تدارک نوشتن کتاب *رساله‌ای درباره‌ی آداب و رسوم ملت‌ها*^۱ و فراهم آوردن منابع لازم، با ایران بیشتر آشنا می‌شود و از خلال سفرنامه‌ها، داستان‌های ایرانی و مطالعه‌ی آثار یونانی چون *فرهنگ خاوری* نوشته‌ی دربلو^۲، *تاریخ تیمور لنگ* و *تاریخ چنگیزخان*^۳، اطلاعات خوبی درباره‌ی ایران کسب می‌کند. اما، در سال ۱۷۴۶ و با مطالعه‌ی کتاب *تاریخ آیین پارسیان*، نوشته‌ی دکتر هاید انگلیسی، و همچنین مطالعه‌ی آثار دیگری چون *تاریخ آیین مانی*، تحقیق در پیدایش و تاریخ و توالی ملت‌های کهن، آداب و رسوم مذهبی همه ملت‌های جهان، و توجیه تاریخی افسانه‌ها و اساطیر خدایان، به شناخت و کشف ایران باستان واقعی می‌رسد و ویژگی‌های تاریخی و فلسفی ایران، جایگاه ویژه‌ای در افکار و اندیشه‌های ولتر به خود اختصاص می‌دهد، جایگاهی که این فیلسوف آن را تا پایان عمر حفظ خواهد کرد (شیبانی، ۱۹۷۱، ص ۲۳۲).

این مطالعات عقاید ولتر را، که در آغاز ساخته و پرداخته‌ی ذهنیت‌های متعصب و خصمانه نسبت به ایران بود، دگرگون می‌سازد و افق جدیدی از تمدن و فرهنگ ایرانی را به روی وی می‌گشاید. اطلاعات او در این باره، قبل از مطالعه‌ی کتاب *ارزشمند آیین پارسیان*، عمیق نبود و بیشتر به نوشته‌های غرض‌آلودی که در دوران نوجوانی و جوانی خوانده بود محدود می‌شد. اما اینک او دریافته بود که ایرانیان نخستین قومی هستند که «به خدا و شیطان و بهشت و معاد برزخ و دوزخ ایمان آوردند و این افکار را در سراسر جهان گسترده‌اند»، و از این راه در تکامل و تحول ادیان دیگر تأثیرگذار شدند، «چنان که ریشه‌ی بسیاری از باورهای دینی یهودیان و سپس مسیحیان را باید در آیین آنان جستجو نمود» (حدیدی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۷).

گرچه ولتر به تاریخ و فلسفه‌ی ایران باستان توجه خاصی دارد و در آثاری چون *رساله‌ای درباره‌ی آداب و رسوم ملت‌ها و فلسفه‌ی تاریخ*، بر پیشگامی این فلسفه و تاریخ تأکید

1- *Essai sur les mœurs*

2- D'Herblot, *Bibliothèque orientale*.

۳- ولتر این سه کتاب را در سال ۱۷۴۲ از دوستش درژانسون (d Argenson) امانت می‌گیرد. رک. حدیدی، از *سعدی تا آراگون*، ص ۱۴۶.

می ورزد^۱، اما مطالعه تاریخ و تمدن دوران اسلامی ایران نیز، علی‌رغم فراز و نشیب‌های اولیه، ستایش او را بر می‌انگیزد و بر شکوفایی‌های فرهنگ و تمدن برخی از فرازهای این دوره نیز مهر تأیید می‌زند: «در اواخر سده شانزدهم و تحت لوای حاکمیت شاه عباس کبیر، از نوادگان شاه اسماعیل صفوی، ایران یکی از شکوفاترین و خوشبخت‌ترین کشورهای جهان است» (ولتر، ۱۸۸۵، ج ۱۲، ص ۴۴۲).

حاصل مطالعات و آگاهی‌های ولتر درباره ایران، چه ایران باستان و چه ایران معاصر، او را در نوشتن آثاری چون تراژدی *سمیرامیس* (۱۷۴۶)، داستان فلسفی *صادق یا سرنوشت* (۱۷۴۷) و نمایشنامه *گبرها* (۱۷۶۹) یاری می‌رساند و به تدوین کتاب *رساله‌ای درباره آداب و رسوم ملت‌ها* که بخش‌هایی از آن مربوط به ایران است کمک می‌کند و بدین وسیله باعث ترویج و گسترش اندیشه، احساس و فلسفه ایرانی-اسلامی می‌گردد.

هدف ولتر از نشر این آثار، همانند هر فیلسوف و نویسنده متعهد دیگر، آموزش و آگاهی دادن به خوانندگان خویش است. اما رسالت هنری و لذا تدوین گیرا و جذاب آثارش برای وی در درجه اول اهمیت قرار دارد. به همین دلیل در آثار داستانی این نویسنده بزرگ هیچ یادداشت یا توضیحی که مبین منابع و مأخذ وی باشد به چشم نمی‌خورد. از میان تمام منابع تاریخی، اندیشه‌های فلسفی و مشاهدات شخصی، ولتر یک نکته، یک کلمه یا یک مفهوم را برمی‌گزیند و با فنون ادبی مورد توجه آن زمان، به شرح و بسط آن می‌پردازد. خواننده فقط از خلال مکاتبات یا آثار فلسفی او می‌تواند به اهمیت این کلمه یا مفهوم پی برد. از جمله این مفاهیم، واژه ایران در تمام ابعاد تاریخی، مذهبی، فلسفی و ادبی است که جایگاه ویژه و منسجمی در افکار و در نتیجه در آثار ولتر دارد.

اما آنچه در اینجا برای ما حائز اهمیت بیشتری است، دستیابی ولتر به منابع مربوط به ادبیات فارسی، چون *هزار و یک شب* و به ویژه *گلستان سعدی* است که داستان‌های بسیاری را به وی الهام می‌بخشد و سرچشمه نوشته‌های اخلاقی و انتقادی وی می‌گردد. گرچه منابع مربوط به ایران باستان مثل کتاب *تاریخ آیین پارسیان*، جایگاه ویژه‌ای در آگاهی ولتر در زمینه تاریخ و فلسفه ایرانی دارد، اما منابع ولتر فقط به اینگونه آثار محدود نمی‌شود. او قطعاً

۱- از نظر ولتر قدمت آیین مذهبی ایرانیان، در اثر اول، به نه هزار سال قبل، و در اثر دوم، به شش هزار سال قبل بر می‌گردد (مجموعه آثار، ج ۱۱، ص ۳۴ و ج ۱۱ ص ۱۹۸).

سفرنامه‌های سیاحانی چون تاورنیه، برنیه و شاردن را مطالعه کرده است. آیا ترجمه قطعاتی از اشعار سعدی در *سفرنامه شاردن* ولتر را به کشف این شاعر گرانمایه ایرانی رهنمون می‌گردد و باعث می‌شود که وی در اهدانامه صفحه اول کتاب *صادق* از سبک زیبا و با شکوه سعدی تقلید کند؟ آیا شناخت دیگری از *گلستان* سعدی داشته و ترجمه‌های این کتاب از جمله ترجمه آندره دوریه را خوانده است؟

ولتر و سعدی

همانطور که اشاره شد، ولتر به طور قطع از خلال سفرنامه‌ها و بخصوص سفرنامه شوالیه ژان شاردن با زمینه‌هایی از فکر و اندیشه، و نبوغ هنری سعدی آشنا گردیده و به گفته خانم ژان رولان^۱، آثار سعدی را نیز خوانده است (ماسه، ۱۳۶۴، ص ۳۴۴). وی که به آسیا به عنوان مهد تمدن‌های کهن می‌نگرد و شیفته عظمت و جلوه سحرآمیز این تمدن است، سعدی را یکی از مظاهر این عظمت و مظهر کاملی از آن می‌داند. لذا از خواندن آثار سعدی و شیوه هنری او لذت فراوان می‌برد و از پندهای حکیمانه و بخصوص از اندیشه تسامح و سعه صدر شاعر شیراز، به عنوان یکی از اندیشه‌های محوری ولتر، بسیار شادمان است.

در مورد آشنایی خود با زبان و ادب فارسی و در نتیجه با سعدی، ولتر در نامه‌ای که در تاریخ ۵ ژوئن ۱۷۵۲، از پوتسدام به فرمی^۲ می‌نویسد ادعا می‌کند که قطعه بزرگی از شاعر ایرانی سعدی ترجمه کرده است: «شاید شما از من بپرسید که آیا من زبان فارسی می‌دانم تا اثر سعدی را ترجمه کنم؟ آقا، من سوگند یاد می‌کنم که کلمه‌ای از زبان فارسی نمی‌دانم اما من آن را ترجمه کرده‌ام همانطور که لاموت^۳ هومر را ترجمه کرده بود» (ولتر، ۱۸۸۵، ج. ۳۵، ص ۴۰۱-۴۰۰، ماسه، ۱۳۶۴، ص ۴۰۹). دفرمری در ترجمه فرانسوی *گلستان* خود تشابه این بیت سعدی را: «اگر صد سال گبر آتش فروزد/ اگر یک دم در او افتد بسوزد»، با شعری از ولتر نشان می‌دهد که متن فرانسوی آن مبین ترجمه کلمه به کلمه شعر سعدی است (دفرمری، ۱۳۴۸، ص ۵۴):

۱- Madame Jeanne Roland (۱۷۹۳-۱۷۵۴)، زن تیزهوش و با فتوت فرانسوی که عاشق هنر و ادبیات بود.

۲- Formy، مدیر کتابخانه امپراطوری، در فرانسه در قرن هفدهم.

۳- La Motte-Houdar یا به اختصار La motte، نویسنده فرانسوی (۱۷۳۱-۱۶۷۲) که بدون آشنایی با زبان یونانی، نمایشنامه‌ای را از *لیلید*، بر اساس ترجمه مادام داسیه، تنظیم کرد و به شهرت رسید.

Qu'un perse ait conservé le feu sacré cent ans/Le pauvre homme est brûlé quand il tombe dedans^۱.

ولتر، این نویسنده و فیلسوف نامدار ادبیات فرانسه قرن هجدهم، شهرت عالمگیر خود را، همانند سعدی، شاعر بزرگ و نامدار ایران، مدیون دو موهبت فصاحت و موقع‌شناسی خویش است. سعدی، برای تهذیب اخلاق معاصرین خود، با استفاده از سبک «مقامه» به عنوان بهترین نوع فن سخنوری، تخیل و حقیقت را در *گلستان* درهم می‌آمیزد و بر اساس ذهنیت مردم زمانه خویش استدلال می‌کند. وی در این اثر جاودانه خویش، با ترکیب نثر موزون با شعر از توانایی‌های این دو نوع ادبی پخته و پرورده پیشینیان، سود می‌جوید و با دلیل و برهان به اثبات موضوع مورد نظر خویش می‌پردازد (فروغی، ۱۳۷۷، صص ۲۴۴-۲۴۵).

ولتر نیز از مشی او استفاده می‌کند، اندیشه اندیشمندان پیشین و معاصر را می‌گیرد و با اندیشه خود در هم می‌آمیزد، و با تیزبینی خویش آن را با ذوق خوانندگان فرانسوی در عصر روشنگری منطبق می‌سازد و سپس حاصل آنرا «با فصاحتی بی‌مانند و لحنی شیرین و طنزآمیز و مردم‌پسند» (حدیدی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۵) باز می‌گوید. ولتر ابتدا با استفاده از اندیشه‌های ایرانی گنج‌انیده شده در سفرنامه‌ها و بهره گرفتن از روش سعدی در استفاده از شخصیت‌های تاریخی برای پرداختن حکایات (فروغی، همان، ۲۴۲) به نوشتن نمایشنامه‌هایی چون *سکاه* و *گبرها* می‌پردازد و در این دو اثر خود به وصف مهربانی، گشاده‌رویی، روحیه تساهل ایرانیان، حمله به کشیشان متعصب، تبلیغ انسان‌دوستی و محبت به هم‌نوع که از اندیشه‌های محوری اندیشمندانی چون سعدی است، می‌پردازد. سپس معروف‌ترین رمان فلسفی خود یعنی *صادق یا سرنوشت* را می‌نویسد و با پیوند افکار و اندیشه‌های خود با اطلاعاتش درباره ایران و ایرانیان، شاهکاری جاوید پدید می‌آورد.

تدوین و نگارش کتاب *صادق یا سرنوشت*، داستان شرقی، که یکی از مجموعه داستان‌های فلسفی معروف ولتر است و در سال ۱۷۴۷ منتشر می‌گردد، بر اساس منابعی اغلب فارسی صورت می‌پذیرد. منابعی که هم به ایران عصر باستان اختصاص دارد و هم به ایران عصر جدید. در نوشتن این رمان که یکی از شاهکارهای رمان فلسفی است، ولتر خاطره

۱- این شعر ولتر را مترجم *گلستان* به نقل از مجموعه آثار او، چاپ پاریس، انتشارات بوشو (Beuchot)، جلد ۱۳ ص ۴۰۸ آورده است.

ناکامی‌ها و سرگردانی‌های خود را با تمام دانش خویش دربارهٔ ایران و ایرانیان در هم می‌آمیزد، و اندیشه‌های خود را همراه با نظرهای فلسفی و بحث‌های علمی بدان می‌افزاید و از آن اثری پرجاذبه و ماندگار می‌سازد. آنگاه، به دلیل قرابت تجربیات شخصی خویش با تجربیات و افکار سعدی و لذا همبستگی فکری میان این دو نویسندهٔ بزرگ شرق و غرب، نام «سعدی شیراز» بر خود می‌گذارد و سرزنش‌ها و نکوهش‌های صادق را به شاعر شیرین سخن ایران نسبت می‌دهد و آن را با نام مستعار سعدی منتشر می‌کند (حدیدی، ۱۳۷۳، صص ۱۵۲-۱۵۱).

صادق، قهرمان داستان ولتر، همسو با اندیشه‌های عقلایی شخصیت‌های حکایات سعدی، به انسان‌های ناآگاه می‌آموزد که از تعصب و پیروی از باورهای غلط مذهبی دست بردارند و به پندهای حکیمانهٔ او گوش فرا دهند. همچنین، ولتر از زبان این قهرمان داستان خود، همانند سعدی، بی‌ثباتی در کردار و گفتار پادشاهان، فساد درباریان و ستم آنان بر زیر دستان را نکوهش می‌کند و از زبان سعدی به آنها توصیه می‌کند که: مها زورمندی مکن بر کهان / که بر یک نمط می‌نماند جهان (سعدی، *بوستان*، ۱۳۶۸، ص ۵۹۳).

در مورد شیوهٔ تدوین این داستان، همانطور که سعدی برای نوشتن *گلستان* از شیوهٔ نگارش مقامه‌نویسی استفاده می‌کند ولی برای اصالت بخشیدن به کار خویش برخی عناصر مقامه‌نویسی را حذف می‌کند و با پایان بخشیدن به شکل سنتی این نوع ادبی، صرفاً به مقولاتی از پند و اندرز می‌پردازد که پاسخگوی سؤالات عقلی عملی در زندگی روزمرهٔ مردم باشد (فروغی، همان، ص ۲۴۳)، ولتر نیز، از شیوهٔ انتقادات و نظرهای اجتماعی کتاب *نامه‌های ایرانی* منتسکیو و صحنه‌های خیال‌انگیز داستان‌های *هزار و یکشب* و *هزار و یک روز* استفاده می‌کند، اما برای اصالت بخشیدن به کار خویش، شکل مکاتبه‌ای متداول آثاری را که از آنها الهام می‌گیرد حذف می‌کند و بخش‌های مختلف داستان خود را به گونه‌ای عادی به هم پیوند می‌دهد. آنگاه، همانند سبک اقناعی سعدی، «انتقادهای خود را براساس نظرهای فلسفی و بحث‌های علمی استوار» می‌سازد و «بر همهٔ اینها نیش و نوش را نیز» می‌افزاید و آنچنان جاذبه‌ای به رمان خود می‌بخشد که خوانندگان را هم با خود همداستان می‌سازد (حدیدی، ۱۳۷۳، ۱۵۱).

همانطور که مؤلف فقید کتاب *از سعدی تا آراگون* تأکید دارد این تجانس‌ها و قرابت‌ها همگی حاکی از نوعی همبستگی فکری میان ولتر و سعدی است. ولتر که سالیانی دراز در

دربار لوئی چهاردهم، پادشاه فرانسه و فردریک دوم پادشاه آلمان گذرانده بود، و سپس سالیان دراز دیگری را در تبعید و عزلت بسر برد، خاطره ناکامی‌های خود را فراموش نکرده و «آشکارا می‌دید که چگونه گروهی حسود و دورو بر او چیره گشته و روزگار را تباه کردند و آرزوهایش را بر باد دادند». پس چون سعدی نتیجه می‌گیرد که «باید کنج عزلت گزید و آزاد زیست و هوس جاه و جلال از سر بدر کرد و یا دم فروبست و صم بکم از پی زورمندان روان شد» (همان، صص ۱۵۲-۱۵۱) همیشه نیز به هوش بود که صحنه‌سازان حقایق را دگرگون نکنند چرا که «متعنتان در کمینند و مدعیان گوشه‌نشین» (سعدی، *گلستان*، ۱۳۶۸، ص ۷۱). ولتر جلوه‌ای از همه این افکار و اندیشه‌ها را در آثار سعدی باز می‌یافت، زیرا این حکیم فرزانه ایرانی قرن‌ها پیش گفته بود: «مصلحت آن بینم که ملک قناعت را حراست کنی و ترک ریاست گویی» (همان).

این گونه سخنان در روح آزاده ولتر کارگر افتاده «و ارادت او را به سازنده *گلستان* و سراینده *بوستان* بیشتر کرده بود» (حدیدی، ۱۳۷۳، ۱۵۲). به همین لحاظ، ولتر کتاب خود *صادق یا سرنوشت* را با نام مستعار سعدی منتشر می‌کند و یا تقدیم آن به ملکه‌ای جوان به نام «ملکه شراعه^۱»، در اهدانامه خود سعدی را چنین معرفی می‌کند: «اجازه بدهید ترجمه کتابی را به پیشگاهتان هدیه کنم که حکیمی خوشبخت، فارغ از غم دنیا و دوستدار علم و ادب آن را نگاشته است. کتابی است عمیق که بیش از آنچه به ظاهر می‌نماید آموزنده است» (ولتر، ۱۹۶۲، ص ۱).

در واقع، ولتر در این داستان، قهرمان خود یعنی صادق را، همانند بسیاری از شخصیت‌های *گلستان* و *بوستان* سعدی، به صفات نیکویی چون زیبایی، دارایی، جوانمردی، دلیری، پاکی، توانگری، فروتنی و غیره می‌آراید، و او را با دشواری‌های زیادی مواجه می‌سازد که اغلب ساخته و پرداخته موبدان متعصب و نادان یا دوستان دورو و حسود است. ولتر در توجیه این وضعیت از حکایتی در *گلستان* سعدی الهام می‌گیرد که در آن نیز سخن از روباهی رفته که گریزان است و بیم آن دارد که چون شتران را می‌گیرند مبادا او نیز گرفتار آید چرا که «اگر حسودان بفرض گویند شتر است» و گرفتار آید کسی را غم خلاصی او نخواهد بود تا تفتیش حال او کند. و حال «تاتریاق از عراق آورده باشند مارگزیده مرده باشد» (سعدی،

گلستان، ۱۳۶۸، صص ۷۱-۷۰).

بخش چهارم کتاب **صادق** به طور دقیق‌تر تلفیقی از دو حکایت **بوستان** و **گلستان** سعدی است. در باب چهارم **بوستان** تحت عنوان «درتواضع»، سعدی حکایتی در ستایش فروتنی و نکوهش گردن‌فرازی دارد و می‌گوید:

یکی قطره باران زابری چکید	خجل شد چو پهنای دریا بدید
که جایی که دریاست، من کیستم؟	گرو هست حقا که من نیستم
چو خود را به چشم حقارت بدید	صاف در کنارش به جان پرورید
سپهرش به جایی رسانید کار	که شد نامور لؤلؤ شاهوار
بلندی از آن یافت کو پست شد	در تیستی کوفت تا هست شد

(بوستان، ۱۳۶۸، ص ۱۱۵).

حکایتی در **گلستان** نیز از شاعری یاد می‌کند که «امیر دزدان را ثنائی گفت» و امیر «فرمود تا جامه از وی برکنند و از ده بدر کردند» (**گلستان**، ۱۳۶۸، ص ۱۳۰).

ولتر با اقتباس از این دو حکایت، بخش چهارم داستان **صادق** را با حکایتی بدین مضمون می‌نگارد که: آربوگارد، امیر دزدان، همراه با گروهی از یاران خود، در قلعه‌ای محکم، بر فراز کوه‌های واقع در مرز عربستان مستقر شده بود. **صادق**، پس از آن که از دربار بابل رانده شد و راه آوارگی پیش گرفت، روزی از نزدیکی پناهگاه آنان گذشت. راهزنان محاصره‌اش کردند. ولی او تسلیم نشد و مردانه به دفاع از خود پرداخت. امیر دزدان که از فراز پناهگاه شاهد مبارزه دلیرانه او بود، به یارانش فرمان داد رهایش کنند. آنگاه او را نزد خویش فرا خواند و به او پیشنهاد کرد که به دسته او بپیوندد، و افزود که در این «معامله» سود فراوان است و جاه و مقام بسیار، چنان که او خود نیز زمانی بردگی می‌کرده و از دسترنج ناچیز خود به سختی می‌زیسته است. روزی یکی از پیران سالخورده به او می‌گوید: «فرزندم! سرنوشت تو باید همچون سنگ ریزه‌ای باشد که پیوسته از خردی و حقارت خود می‌نالد، ولی سرانجام بر اثر کوشش و بردباری، الماس درخشانی شد که اینک بر افسر پادشاه هند می‌درخشد» (ولتر، ۱۹۶۲، ص ۳۷). این نصیحت در آربوگاد کارگر می‌افتد. پس نخست دو شتر، بعد سه شتر، و بالاخره چهار شتر می‌دزدد و با کوشش بسیار «الماس» می‌شود و کاخی رفیع برای خود ساخته همچنان به «شغل شریفش» ادامه می‌دهد، و حال آن که طبق آخرین اخبار، پادشاه بابل از

پادشاه هیرکانی شکست خورده، تخت و تاجش بر باد رفته و کشورش از هم پاشیده است. صادق به شنیدن این سخنان لب به دندان می‌گزد و با خود زمزمه می‌کند: «چه سرنوشتی! چه طالع شومی! دزدی به شقاوت آربوگاد خوشبخت است و ملکه‌ای به پاکی و درستی و زیبایی استرته، بدبخت!» (همان، ص ۳۸). البته صادق نمی‌تواند پیشنهاد دوستانه آربوگاد را بپذیرد، ولی او را یازای مخالفت هم نیست. از این رو، بامدادان، به هنگامی که دزدان سرگرم تقسیم غنائم هستند، «کاخ» آربوگاد را ترک می‌گوید (حدیدی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۵).

همچنین صادق در این کتاب با مشکل عمده‌تری به نام سرنوشت ناسازگار نیز دست به گریبان است ولی در سایه تجربیات شخصی درمی‌یابد که متأسفانه در جامعه بشری، پیروزی از آن «دیوان بدسیرت و دوزخیان تبهکار» است و «آنچه به حکم عقل باید موجب رستگاری انسان شود، بر زیان او به کار می‌رود و حيله و تزویر کامیابی به همراه می‌آورد» (حدیدی، ۱۳۶۸، ص ۱۵۹). در *گلستان سعدی* نیز حکایات زیادی حاکی از این وضعیت جهان واقعی است. چنان که ناصح خردمندی را می‌بینیم «که گرفتار می‌شود اگرچه حق با اوست و نیز بسا که پیروزی نصیب حق‌گزاران نمی‌شود یا داستان آنچنان که انسان در عالم اندیشه آرزو می‌کند صورت عمل به خود نمی‌گیرد» (سعدی، *گلستان*، ۱۳۶۸، ص ۳۳).

در واقع، ولتر با طرح این چهره زشت عالم واقعی که بشر بیشتر اسیر تباهی و شقاوت است، همانند سعدی، به دنبال جهان مطلوبی است که سراسر «نیکی و صفا، راستی و پاکی، روشنی و حقیقت» باشد. اما دنیایی که صادق در آن به گشت و گذار مشغول است، مثل دنیای توصیف شده در *گلستان سعدی* دنیایی است «پر از تناقض و تضاد و سرشار از شگفتی و زشتی» (سعدی، *گلستان*، ۱۳۶۸، ص ۳۰). بسیاری از اندیشه‌های ولتر در آثار او، همانند آراء و نظرات سعدی در *گلستان* و *بوستان*، حاصل دریافت و برخورد‌های گوناگون این اندیشمند با دنیا و مسائل و دشواری‌های حیات انسان است.

لذا، بینش عمیق و جهان‌بینی گسترده سعدی موجب شده که بسیاری از سخنان وی بر دل ولتر و دیگر فلاسفه عصر روشنگری بنشینند و او را نویسنده‌ای بشناسند که از دنیا و زندگانی آنان سخن می‌گوید. شهرت حکیم و فرزانه شیراز، بخصوص پس از ترجمه *گلستان* به زبان

فرانسوی توسط آندره دوریه^۱ در سال ۱۶۳۴ میلادی، نه تنها ولتر بلکه بسیاری از بزرگان فکر و ادب اروپا را به خود جذب می‌کند (یوسفی، ۱۳۶۳، صص ۳-۱). همچنین، باغ و بوستانی را که سعدی به تصویر می‌کشد، الهام بخش بیداری روح و اندیشه و احساس می‌گردد و هر صاحب ذوق و اندیشه‌ای را به خود فرا می‌خواند، و او را به شهد وجود خویش آغشته و سر مست می‌سازد.

بنابراین، همانطور که سعدی، در سایه فکر بلند و نظر ژرف‌بین و ذوق سلیم خود توانسته است بسیاری از موضوعات مهم اخلاقی و اجتماعی یا نکات دیگر را با تصاویر بدیع و جذاب در *گلستان* و *بوستان* خود به تصویر کشد، ولتر نیز توانسته است، همانند او، اندیشه‌ها و تصورات ذهنی خود را جمع به جهان و جهانیان را بخردانه و درکمال هنرمندی در آثار خود نقش کند. او نیز همانند سعدی، علیرغم مشاهده ناملايمات و ناسازگاری‌های حاکم بر عالم بشری، به آینده خوش‌بین و امیدوار است. در واقع، همانطور که صادق، قهرمان داستان فوق‌الذکر وی، در پایان راه دشوار زندگی خوشبختی را در آغوش می‌کشد، خود وی نیز پس از در بدری‌های گوناگون، در پایان عمر پیروزمندانه به پاریس باز می‌گردد و به تماشای جشن باشکوهی می‌نشیند که به افتخار او در فرهنگستان فرانسه برپا داشته‌اند. در این جشن، آخرین نمایشنامه او را به نمایش می‌گذارند و از مجسمه وی پرده‌برداری می‌کنند. بنابراین، او از اندیشه‌های نظری و تجربیات شخصی خود چنین نتیجه‌گیری می‌کند و این ذهنیت را به خواننده منتقل می‌کند که «فراسوی آنچه به نظر ما بی‌نظمی و هرج و مرج محض می‌آید، حکمتی لایتناهی و قدرتی بی‌حد و حصر وجود دارد که جهان هستی را به سوی سرنوشتی معلوم رهبری می‌کند» (حدیدی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۹).

به طور کلی، نوشته‌ها و داستان‌های دربردارنده انتقادهای اجتماعی، از جمله حکایات سعدی، با اندیشه و ذوق ولتر بسیار سازگار می‌افتد و ولتر اینگونه نوشته‌ها را بر داستان‌هایی که تنها برای سرگرمی خواننده نوشته شده و فاقد ارزش اخلاقی و اجتماعی باشد، ترجیح می‌دهد. در واقع سعدی نیز در استفاده از بسیاری از ویژگی‌های «مقامه» در حکایت‌های *گلستان* خود، ویژگی «التذاذ خاطر خوانندگان» را که از اهداف اصلی مقامه است، از کار خود حذف می‌کند (فروغی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۱). همچنین هم در *گلستان* و هم در *بوستان* خود، نه

تنها پادشاهان و حاکمان را به طور کلی نمی‌ستاید، بلکه گاهی به انتقاد از شیوه زندگی آنها نیز می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

در عصر روشنگری و به دنبال بست اندیشه‌های روشنگرانه و فیلسوفانه خود و دیگر روشنگران این عصر، ولتر «روشنایی‌های» ایرانی به تصویر کشیده شده در شاهکارهای ادبی در ادبیات فارسی، بخصوص در آثار حکیمانه سعدی را الگوی کار خود قرار می‌دهد و به روش سعدی به توصیف دنیا، ضعف‌های انسانی و ناپسندی‌های اجتماعی می‌پردازد و با مبارزه‌ای پیگیر علیه تمام مفاهیم شوم حیات بشری سعی می‌کند به شیوه‌های گوناگون ادبی، راهی نو دراندازد. بدین منظور و به شیوه سعدی، روشنایی‌های عقلی را به زلال روح پیوند می‌زند و با ترک دنیای نابرابری و نابرداری‌ها، زبانی نو بر می‌گزیند و به دنبال دنیای خیال خود، به خلق آثار هنری و فلسفی می‌پردازد و برای عطرآگین ساختن دنیای انسان‌ها، به عطر گل سرخ گلستان سعدی و زلال روح این شاعر و فیلسوف ایرانی تمسک می‌جوید. لذا، سعدی، به خاطر شرافت اخلاقی، دقت و صحت فکری، و تنفر از ریا و ریاکاری، نخستین حکیم و شاعر ایرانی است که ولتر و دیگر نویسندگان فرانسوی این «بزرگترین شاعر ایرانی را یکی از خود می‌دانند» (بونروت، ۱۹۸۸، ص ۱۲۴).

در حقیقت ستایش ولتر از سعدی و انتساب داستان صادق به وی و تدوین بخش چهارم این داستان بر اساس دو حکایت از گلستان و بوستان سعدی، نشانه‌ای از این همبستگی عمیق فکری میان این دو بزرگمرد ادبیات فارسی و فرانسه است. بدین ترتیب، نه تنها ولتر خود از فکر و اندیشه و سبک سعدی در نگارش آثار خود بهره می‌جوید، بلکه بدین طریق راه را برای استفاده دیگر نویسندگان فرانسوی و اروپایی نیز هموار می‌سازد. در حقیقت، ادبیات رمانتیک که وارث ادبیات ممالک مختلف جهان و از جمله ایران، و مدافع نظریه جهان وطنی ادبی^۱ بزرگان قرن هجدهم است، در عصر ولتر ریشه می‌گیرد.

اولیویه بونروت، به نقل از هردر، نویسنده و فیلسوف آلمانی قرن هجدهم^۱، نیز می‌نویسد، هنگامی که او گلچینی از شعر شعرای مشرق زمین را به خوانندگان خود هدیه می‌کند، از شعر سعدی به عنوان بهشتی از اخلاق و زیبایی یاد می‌کند و می‌گوید: «به نظر می‌رسد که سعدی گل شعر اخلاقی در ادبیات فارسی را چیده است. هموطنانش، شعر فردوسی را سرآمد شعر حماسی، شعر انوری را سرآمد شعر رشایی و شعر سعدی را سرآمد شعر غنایی می‌دانند» (بونروت، ۱۹۸۸، ص ۲۹) و ولتر به خوانندگان خود توصیه می‌کند: «سعدی را بخوانید، جز نکات عالی چیزی نزد او نخواهید یافت» (۱۸۸۵، ج ۱۲، ص ۶۲).

منابع

- ۱- حدیدی، جواد، *اسلام از نظر ولتر*، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۵.
- ۲- _____، *برخورد اندیشه‌ها*، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۶.
- ۳- _____، *از سعدی تا آراگون*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- ۴- زرین کوب، عبدالحسین، «سعدی در اروپا»، *مجله سخن*، دوره سوم، شماره‌های ۸-۹، اردیبهشت و خرداد ۱۳۲۶.
- ۵- سعدی، *گلستان*، به کوشش دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸.
- ۶- _____، *بوستان*، به کوشش دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۷- فروغی، حسن، «گلستان و بوستان سعدی»، *ارج نامه ایرج*، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۷، ج اول، صص ۲۴۱-۲۵۰.
- ۸- فوشه کور، شارل-هانری دو، *اخلاقیات، مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری*، ترجمه محمد علی امیر معزی و عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
- ۹- ماسه، هانری، *تحقیق درباره سعدی*، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر مهدوی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۴.
- ۱۰- یوسفی، غلامحسین، *کاغذ زر (یادداشت‌هایی در ادب و تاریخ)*، تهران، انتشارات یزدان، ۱۳۶۳.
- 11- Bonnerot, O., *La Perse dans la littérature et la pensée française du XVIIIe*

۱- Johann Gottfried Herder در سال‌های ۱۷۷۹-۱۷۷۸، مجموعه‌ای تحت عنوان «سروده‌هایی از تمام ملت‌ها»، از جمله گلچین شاعران مشرق زمین، منتشر کرده است که در این گلچین، گلهای *گلستان سعدی* از همه خوشبوتر است.

siècle; 1988.

- 12- Chaybani, J., *Les voyage en Perse et la pensée française au XVIIIe siècle*, Téhéran, 1971.
- 13- Defremery, Ch., *Gulistan, ou Le Partairre de roses* de Sadi, Chiraz, Librairie Marefat, 1348.
- 14- Fouhecour, C. H., *Moralia, les notions morales dans la littérature persane du 3e/9e au 7e/13e siècle*; Paris, éditions Recherche sur les Civilisations, 1986.
- 15- Masse, H., *Essai sur le Poète Saadi*, Paris, Paul Geuthner, 1919.
- 16- Voltaire, *Œuvres Complètes*, Paris, Louis Moland, 1885, 50 vol.
- 17- ———, *Zadig ou la Destinée*, Paris, éd. Garnier, 1962.